

مسجد سهله

«مسجد سهله» که بسیار مشهور است، پس از ظهور امام عصر (عج) محل زندگی ایشان و خانواده‌شان و نیز محل جمع‌آوری بیت المال و تقسیم غنائم میان مسلمانان خواهد بود، در ورودی شهر «کوفه» قرار دارد. کوفه بعد از دوره فتوحات اسلامی، در همین مکانی بود که به شهر تبدیل شد. این شهر در فاصله ده کیلومتری از نجف اشرف و صد و پنجاه کیلومتری «بغداد» واقع شده است. مسجد سهله، بعد از «مسجد کوفه» ساخته شد و یکی از بزرگ‌ترین مساجدی است که در قرن اول هجری قمری در کوفه بازسازی شد. این مسجد از سمت شمال غربی مسجد جامع که در فاصله دو کیلومتری آن قرار دارد، قابل مشاهده است. مسجد سهله ابتدا در زمینی بایر و غیر مسکونی ساخته شد.

از مسجد سهله با نام‌های دیگری نیز یاد شده است: «مسجد قرا»، «مسجد بزی»، «مسجد سهیل»، «مسجد عبد قیس» و «مسجد بنی ظفر»؛ ولی «سهله» مشهورتر از بقیه نام‌هاست. نام گذاری به «قرا» به سبب وجود روایتی از امیرمؤمنان، علی (ع) است که فرمود:

«در شهر کوفه، چهار مکان مقدّس وجود دارد که هر یک، دارای مسجدی است.» از حضرت نام آنها را پرسیدند؛ فرمود: «یکی از آنها مسجد سهله است. مسجد سهله محل آتراق خضر نبی (ع) است و هیچ آندوهگینی به این مسجد وارد نمی‌شود؛ مگر اینکه خداوند آندوه او را می‌زداید و ما اهل بیت، مسجد سهله را به نام مسجد قرا یاد می‌کنیم.»^۱ نام «بزی» نیز از مادهٔ بز به معنای نیکوکار می‌باشد.^۲ از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود:

«در مسجدی نماز می‌خوانید که شما آن را سهله می‌نامید؛ ولی ما اهل بیت به آن مسجد «بزی» می‌گوییم.»^۳

نام «سهیل» برای مسجد سهله نیز به سبب روایتی است که از امام باقر (ع) نقل شده است.^۴ و شاید «سهیل» نام یکی از افرادی است که در بازسازی این مسجد مشارکت داشته و شاید نام یکی از عبادان این مسجد است.

نام «عبد قیس» نیز به سبب ساخته شدن این مسجد در محلهٔ بنی عبد قیس می‌باشد؛ همان‌طور که نام بنی ظفر نیز به دلیل واقع شدن مسجد در محدودهٔ بنی ظفر است که در دوره‌های مختلف بازسازی

مسجد سهله مشارکت داشته‌اند.

«سهله» در لغت، پنهانی است پوشیده از شن سرخ رنگ و «سهله» شن دانه درشتی است که دانه‌هایش قابل مشاهده می‌باشد.^۵ در روایتی از ائمه سلمه، همسر گرامی پیامبر (ص) نقل شده است: جبرئیل (مدت‌ها پیش از واقعه کربلا) مقداری از خاک سرخ رنگ زمین کربلا را برای پیامبر (ص) آورد.^۶ که در این روایت از چنین خاکی تعبیر به «سهله» شده و به همین علت نام «سهله» شهرت بیشتری برای این مسجد ارزشمند پیدا کرده؛ چون در سرزمینی است که پوشیده از شن سرخ رنگ است.

امامان و مسجد سهله

مسجد سهله یکی از مقدّس‌ترین مکان‌ها بعد از مسجد کوفه شمرده می‌شود؛ زیرا خانه ادريس نبی و حضرت ابراهيم و عبدصالح خدا، خضر نبی (ع) در این مسجد قرار دارد.^۷

به درستی که برترین مساجد به ترتیب «مسجد الحرام»، «مسجد النبی»، «مسجد کوفه» و «مسجد سهله» می‌باشد.^۸

روایات فراوانی درباره مسجد سهله از ائمه معصومان (ع) نقل شده که به جایگاه و تقدس این مسجد و لزوم زیارت آن اشاره دارد. از امیرمؤمنان، علی (ع) نقل شده است:

«مسجد این ظفر مسجد با برکتی است. به خدا قسم در طبقه‌ای از طبقات بالای این مسجد (در آسمان) سنگی بسیار بزرگ و سبز رنگ است که خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده؛ مگر اینکه تصویری از چهره آن پیامبر بر روی آن سنگ نقش بسته و این مسجد، همان مسجد سهله است.»^۹

در روایت دیگری امام صادق (ع) از ابو حمزه ثمالی درباره عمویشان، زید پرسیدند:

«آیا عمویم زید را در شبی که از شهر خارج شد، ملاقات کردی؟» ابو حمزه پاسخ داد: بلی. امام (ع) پرسیدند: آیا در مسجد سهله نماز خواندی؟ ابو حمزه عرض کرد: مسجد سهله کجاست؟ آیا مرادتان همان مسجد سهله است؟ امام (ع) فرمود:

«بلی؛ اگر زید دو رکعت نماز در مسجد سهله خوانده بود و از خدا امان می‌خواست، خداوند او را همواره در پناه خویش حفظ کرده بود.»^{۱۰}

علمای و مسجد سهله

علمای بزرگ، پیوسته ما را بر مداومت بر زیارت مسجد سهله و نماز خواندن در آن تشویق کرده‌اند. عالم بزرگ شیعه، شیخ طوسی در کتاب خویش می‌گوید:

شایسته نیست که نمازهای یومیّه واجب، جز در مسجد انجام شود. (مانند اینکه) کسی گذرش به «مسجد سهله» می‌افتد و در آن نماز می‌خواند، مستحب است که در وقت بین دو نماز مغرب و عشاء در مسجد حضور داشته باشد.^{۱۱} سید بن طاووس شب‌های چهارشنبه به زیارت مسجد سهله می‌رفت و می‌گفت:

اگر خواستی به مسجد سهله بروی، در وقت بین نماز مغرب و عشاء در شب چهارشنبه برو که این وقت از سایر اوقات فضیلت بیشتری دارد.^{۱۲}

برخی از علما مانند آیت الله شیخ جعفر کاشف الغطاء برای دفع بلا به مسجد سهله پناه می‌آوردند. خود ایشان می‌گوید:

در سالی که طاعون آمد، من به همراه چهل نفر به مسجد سهله پناه بردیم و ظاهراً همه اهالی شهر (به جز چند نفری که در مسجد سهله بودند)، به سبب بیماری طاعون فوت کردند و بعد از برطرف شدن این بیماری کسی باقی نمانده بود.

شیخ محمد حسن، صاحب «جواهر» به مسجد سهله علاقه فراوان داشت و هم او بود که حرکت به سوی مسجد سهله در چهارشنبه شب‌ها را پایه‌گذاری کرد و زمانی که قصد رفتن به مسجد سهله را می‌نمود، دستور می‌داد که خیمه‌ها، وسایل و مواد غذایی کافی را برای استفاده در زمان استراحت در بین راه شهر «نجف اشرف» تا مسجد سهله آماده کنند. او، شاگردان و اطرافیان بر اسب‌های زین شده سوار می‌شدند و گروه‌های بسیاری از مردم با آنها حرکت کرده و شب را در آنجا بیتوته می‌کردند. احداث ساختمان این مسجد، مربوط به این برنامه‌ها بود.

برادر بزرگ‌تر صاحب جواهر، شیخ محمد حسین که طلبه‌ای باهوش و مستعد بود نیز همراهشان می‌رفت تا اینکه در یکی از این سفرها به طور اتفاقی و از روی اشتباه، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در عتفوان جوانی، در حالی که در مسیر مسجد سهله بود، کشته شد.

ماجرا از این قرار بود: یکی از افرادی که به دستور شیخ جعفر کاشف الغطاء مشغول فراگیری آموزش نظامی و تیراندازی در

بیابان‌های اطراف شهر بود تا در برابر وهابیتونی که دائماً کربلا و نجف را مورد حمله‌های خود قرار می‌دادند، بایستند و دفاع کنند، تیری شلیک می‌کند و به سبب انحراف در تیراندازی، شیخ محمدحسین مورد اصابت گلوله قرار گرفته و رحلت می‌کند.^{۱۳}

صاحب جواهر در بستر بیماری‌ای که منجر به رحلت ایشان شد، از طرف یکی از عیادت‌کنندگان، مورد پرسش قرار گرفت که اگر خدای نکرده برای شما اتفاقی بیفتد، مرجع تقلید چه کسی خواهد بود؟ صاحب جواهر برای پاسخ به این سؤال دستور داد تا بزرگان از میان علما و مجتهدان جمع شوند. آنان نیز بلافاصله به نزد صاحب جواهر رسیدند، برخی با دیدن وضعیت جسمانی صاحب جواهر گمان کردند که ایشان، او را به عنوان مرجع تقلید بعد از خود انتخاب می‌کند و برخی احتمال می‌دادند که صاحب جواهر، یکی از فرزندان را برای این مهم پیشنهاد می‌کند؛ چون در میان فرزندان کسی بود که لایق چنین منصبی باشد. هنگامی که تمامی مدعوین آمدند، صاحب جواهر سراغ شیخ مرتضی انصاری را گرفتند؛ ولی او در جلسه حاضر نبود. کسی را به دنبال او فرستاد. وقتی شیخ انصاری آمد، صاحب جواهر به او گفت: آیا مرا در چنین موقعیتی تنها می‌گذاری؟ شیخ مرتضی پاسخ داد: در مسجد سهله مشغول دعا برای شفای شما بودم. صاحب جواهر فرمود: زمام امور دینی را که به من سپرده شده بود، اکنون امانت الهی در نزد توست؛ پس تو نیز از احتیاطات کم کن؛ چرا که دین، دین آسانی است.^{۱۴}

مرحوم آیت‌الله سید کاظم یزدی (صاحب عروة الوثقی) نیز رفتن به مسجد سهله را که در برخی از شرایط و اوقات خاص، بقیه مردم در فکر دیگری بودند، بر امور دیگر ترجیح می‌داد و بسیاری از مردم نیز از این سلوک آن مرحوم پیروی می‌کردند.^{۱۵}

آیت‌الله حکیم نیز بر زیارت مسجد سهله مواظبت داشتند و همیشه فرزندان و افراد دیگر خانواده‌اش را به زیارت و توقف لحظاتی، هر چند اندک در این مسجد، تشویق می‌کرد. سعی مرحوم آیت‌الله سید محسن حکیم بر این بود که این منطقه را به بهانه‌ها و مناسبت‌های مختلف آباد گردانند. بازسازی مسجد هزیده و «مصعصه» که در کنار مسجد سهله قرار گرفته، نمونه‌ای از فعالیت‌های مرحوم سید محسن حکیم می‌باشد.

در شرح حال محقق بزرگ، آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی آمده است که ایشان از نجف، تا مسجد سهله را که تقریباً در فاصله ده کیلومتری آن قرار دارد، در شب چهارشنبه هر هفته به مدت چهل شب، پیاده می‌رفت.^{۱۶}

از جمله ملازمان مسجد مقدس سهله، حضرت آیت‌الله العظمی سید محمدعلی حکیم و فرزندان مکرّشان می‌باشند که در رأس فرزندان، مرجع بزرگ، آیت‌الله سید محمدسعید حکیم است که به‌طور جدی در نوسازی و تعمیر مسجد سهله دخیل می‌باشد.^{۱۷}

مرحوم آیت‌الله سید جمال‌الدین گلپایگانی نیز بسیار به مسجد سهله می‌رفت و بسیار هم در مسجد توقف می‌نمود و حتی شب را در مسجد بیتوته می‌کرد. او در این شیوه، پیرو سلوک استادش شیخ علی محمد نجف آبادی در آداب زیارت مسجد سهله بود.

آیت‌الله گلپایگانی در یکی از زیارت‌هایش، به‌طور اتفاقی با

آیت‌الله سید احمد کر بلائی مسجد سهله را زیارت می‌کند؛ آن هم در حالی که سید احمد مشغول خواندن زیارت مقام مهدی (عج) بود و چنان مناجاتی می‌کرد که باعث جذب آیت‌الله گلپایگانی به مرحوم سید احمد می‌شود.^{۱۸}

آیت‌الله خوئی نیز بر رفتن به مسجد سهله در شب چهارشنبه هر هفته مواظبت می‌کرد و در آنجا یک تا یک و نیم ساعت درنگ کرده، دعا می‌نمود و نماز می‌خواند و بر انجام این کار اهتمام بسیار داشت.^{۱۹}

درباره آیت‌الله سید عبدالاعلی سبزواری نیز نقل شده است که به زیارت مسجد سهله در شب‌های چهارشنبه ملتمس بود. همچنین نقل شده که ایشان در یکی از سال‌های عمر شریفش دچار بیماری قلبی شده بود و متولّی رسیدگی پزشکی به ایشان، دکتری به نام موسی آسندی بود که علامه سید محمد کلاتر او را در آن روزها برای مداوای آیت‌الله سبزواری آورده بود. پزشک می‌خواست که آیت‌الله سبزواری به علت وضعیت اضطراریشان به بیمارستان منتقل شوند؛ ولی مرحوم سبزواری این پیشنهاد را رد نمود؛ چون می‌دانست راه حل بهتری برای شفای سریع‌تر دارد و آن دعا کردن و توسل به امام صادق (ع) بود. از این رو آیت‌الله سبزواری نذر کرد که اگر خدا او را از این بیماری شفا دهد، یک دوره کامل فقهی از احکام شریعت مقدس بنویسد. در همان شب از خواب برمی‌خیزد و بدون اینکه از درد و رنج بیماری‌اش شکوه‌ای کند و به رغم اصرار خانواده‌اش به ماندن در خانه، نیمه‌شب عزم رفتن به مسجد سهله می‌کند.

وقتی روز بعد، پزشک ایشان را معاینه می‌کند، با شگفتی تمام می‌بیند که بیماری از وجود ایشان رخت بر بسته و کاملاً شفا یافته است و این، واقعه‌ای خارق‌العاده بود. این گونه بود که مرحوم سبزواری به واسطه وفای به نذری که کرده بود، شروع به نوشتن یک دوره بزرگ فقهی و استدلالی در سی جلد نمود و آن را «مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام» نام نهاد که این کتاب از جمله موسوعه‌های فقهی جدید می‌باشد. سید حسین فرزند مرحوم آیت‌الله سبزواری،

درباره پدر بزرگوارش چنین می‌گوید:

زمانی که نیروهای رژیم سابق به شهر نجف اشرف حمله کردند و شهر را با موشک‌های زمین به زمین بمباران نمودند و مردم به بیرون شهر فرار کردند، پدرم در مسجد سهله بود. به مسجد رفتیم تا از حال ایشان جو یا شوم و از ترس سلطه و هجمه نیروهای رژیم سعی کردم که ایشان را قانع کرده و از مسجد خارج و به بیرون شهر ببرم. ایشان از من پرسیدند: مردم دارند از نجف بیرون می‌روند؟ گفتم: بله. به خاطر شدت حملات بیرون رفته‌اند. پدرم در جواب فرمود: اگر مردم از ولایت امیرالمؤمنین امام علی (ع) بر این شهر آگاه بودند، حتی از یک وجب از آن عقب‌نشینی و فرار نمی‌کردند. پس پدرم پیشنهاد من برای به خروج از شهر را رد کرد و اصرار نمود که در مسجد سهله بماند.

مرحوم آیت‌الله سید عبدالکریم کشمیری از مرحوم آیت‌الله سید علی قاضی نقل می‌کند که ایشان معتقد بود رفتن به مسجد سهله در روز جمعه خوب است؛^{۲۰} همان گونه که علامه سید محمدحسین طباطبائی (ره) درباره ایشان چنین می‌گوید:

مرحوم سید قاضی اتاقی در «مسجد کوفه» و هم‌چنین حجره‌ای در مسجد سهله داشت و تنها در آنها به سر می‌برد و همیشه شاگردانش را به شب زنده‌داری برخی از شب‌های خاص در مسجد کوفه و مسجد سهله توصیه می‌نمود.^{۲۱}

ایشان توصیه می‌کرد که اگر در حال نماز یا قرائت قرآن یا در حال ذکر و تفکر بودید و در همین حال چهره‌ای زیبا یا چیزهای دیگری از عالم غیب دیدید، توجّه نکنید و به عبادت خویش مشغول باشید.^{۲۲} در روایتی نقل شده است که هر کس چهل شب چهارشنبه پشت‌سر هم در مسجد سهله و به نیت دیدن امام عصر (عج) به عبادت و شب‌زنده‌داری مشغول باشد، توفیق دیدن امام (عج) را به دست می‌آورد.^{۲۳}

مرحوم آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی از کسانی بود که هر چهارشنبه به زیارت مسجد سهله اهتمام می‌ورزید و حتی موفق به زیارت امام عصر (عج) و گفت‌وگو با ایشان شد.

بسیاری دیگر از علما و بزرگان نیز بر زیارت مسجد سهله مواظبت می‌کردند و برخی، به اندازه‌ای ملازم این مسجد مقدّس بودند که در همان مسجد رحلت کردند؛ مثل حاج میرزا حسین خلیلی که در زمان بین‌الظلعین، در روز جمعه و در حالی که مشغول دعا بود، به دیار باقی شتافت.^{۲۴}

پی‌نوشت‌ها:

۱. ابن‌قفیه، مختصر کتاب البُلدان، ص ۱۷۴.
۲. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۵۲، واژه «برر».
۳. جمیری، قرب الاسناد، ص ۱۵۹.
۴. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۷.

۵. زبیدی، تاج العروس، ج ۱، ص ۷۱۹۳.
۶. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۴۹، مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۴۷.
۷. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۴؛ مختصر کتاب البُلدان، ص ۱۷۴.
۸. توضیح المسائل آیت‌الله بهجت، ص ۱۸۵.
۹. میرزای نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۹۶.
۱۰. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۷؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۷.
۱۱. شیخ طوسی، مصباح‌المنتهج، ص ۷۴۷.
۱۲. حسین البراقی، الیثمّة الفرویه، ص ۸۱.
۱۳. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱، ص ۵ از مقدمه.
۱۴. باقر آل‌محبوبه، ماضی‌التجف و حاضرهاد، ج ۲، ص ۱۳۴.
۱۵. سید محسن امین عاملی، اعیان‌الشیعه، ج ۱، ص ۴۳.
۱۶. محمدرضا حکیمی، شیخ آقا بزرگ، ص ۷.
۱۷. احسان فتحی، پارسای مجاهد، ص ۲۵.
۱۸. محمدحسین حسینی، توحید علمی و عینی، ص ۲۰.
۱۹. عبدالکریم پاک‌نیا، آفتاب‌فناخت، ص ۳۴.
۲۰. هادی هاشمیان، دریای عرفان، ص ۴۰.
۲۱. طباطبایی، مه‌رتابان، ص ۳۳۲.
۲۲. صادق حسن‌زاده و محمود طیار مراغی، ص ۴۴.
۲۳. نوری، جنّة‌المأوی، ج ۵۳، ص ۳۱۰.
۲۴. همان.

منبع: دلیل‌عنه مسجد سهله، صص ۲۰ - ۳۷.